

اثرگذاری شیعیان بر رشد و شکوفایی تمدن اسلامی قرن نهم و دهم افغانستان

مرتضی شیرودی *

علی جمعه فکوری **

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۵]

چکیده

امپراتوری تیموریان قرن نهم و دهم هجری از دوره‌های درخشان تمدن اسلامی افغانستان است که محققان تاریخ و تمدن اسلامی - اعم از مسلمان و غیر مسلمان، البته بدون توجه به جایگاه علما و هنرمندان شیعی - تحقیقات فراوانی درباره آن انجام داده‌اند. پرسش اصلی این پژوهش این است: «شیعیان افغانستان چه نقشی در رشد و شکوفایی تمدن اسلامی عصر تیموریان داشته‌اند؟». هدف این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته نیز نشان دادن نقش فراموش شده شیعیان افغانستان در گسترش و رشد عناصر تمدن اسلامی است. بر اساس تحلیل منابع تاریخی، ادبی و آموزه‌های مذهبی موجود در آثار هنری دوره تیموریان، یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که علما و هنرمندان شیعی افغانستان نقش بزرگی در خلق و گسترش رنسانس تیموری ایفا کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: اثرگذاری شیعیان، تمدن اسلامی، تیموریان، افغانستان.

* دانشیار گروه علوم سیاسی مرکز پژوهشی تمدن اسلامی و دین‌پژوهی پیامبر اعظم (ص) (نویسنده مسئول)

Morteza.shiroodi@tamadonpajoohi.ir

** دانشجوی دکتری تاریخ تمدن اسلامی مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) قم fakoori.bs@gmail.com

مقدمه

این مقاله محدوده جغرافیایی افغانستان در زمانه تیموریان را که قسمتی از خراسان بزرگ به حساب می‌آمده، بررسی خواهد کرد. بیشتر اطلاعات ما درباره نسخ گران‌بهای مینیاتوری، خطی و حتی معماری داخل این محدوده جغرافیایی، گفته‌های محققان متأخر مربوط به قبل از پیروزی مجاهدان در افغانستان است که به دلیل چهار دهه جنگ و تحولات اخیر، برخی از این آثار ارزشمند نابود یا به خارج از افغانستان منتقل شده‌اند؛ از این رو بررسی و تعیین اثرگذاری شیعیان بر تمدن اسلامی دوره تیموریان در افغانستان بر پایه آن کاملاً میسر نیست. افزون بر این، علی‌رغم شهرت بعضی از علما و دانشمندان شیعی هرات در دوره تیموریان، تعیین نقش شیعیان در ایجاد یا گسترش تمدن اسلامی از موارد دشوار تاریخی این دوره است که برای رسیدن به این مقصود، ناگزیر به محتوای اشعار، نمادهای مذهبی در نقاشی و نگارگری، اسامی، محله‌ها و تصریح برخی از نویسندگان و شعرای معاصر دوره تیموریان اعتماد شده که البته با مشکلات و پیچیدگی‌هایی همراه بوده است. هدف این نوشتار تلاش برای حل مسائل پیش‌گفته در دوره حاکمیت تیموریان در افغانستان است که با تصرف بلخ به دست تیمور در سال ۷۷۱ قمری آغاز شد و تا سال ۹۱۳ قمری، با حضور فرزندان و نوادگان تیمور در هرات، ادامه یافت.

۱. علوم و هنر دوره تیموریان در افغانستان

علوم و هنر از شاخصه‌های اصلی تمدن بشری به حساب می‌آیند. اگر دوره تیموریان در افغانستان را به دو مرحله ۱. تیمور (حک ۷۸۳-۸۰۷ ق) و ۲. فرزندان و نوادگان وی — مثل شاهرخ میرزا (حک ۸۰۷-۸۵۰ ق) و همسر هنردوست او گوهرشاد (؟-۸۸۰ ق)، سلطان حسین بایقرا (حک ۸۷۳-۹۱۱ ق)، وزیر و مشاور او علی شیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ ق) و جامی — تقسیم کنیم، دوره تیمور دوران ویرانی شهرهای بلخ و هرات افغانستان و دوره شاهرخ، سلطان حسین بایقرا و دیگر فرزندان وی دوره درخشان تاریخ تمدن اسلامی در افغانستان است. هرات در محرم سال ۷۸۳ ق به دست تیمور فتح (یزدی،

۱۳۳۶: ۲۳۶) و نابود شد؛ ولی بعدها، به خصوص بعد از استقرار شاهرخ میرزا، به مرکز فرهنگی، سیاسی و تمدنی قرن نهم و نیمه اول دهم قمری — که منابع غربی و شرقی آن را «رنسانس اسلامی» یا «رنسانس تیموری» نامیده‌اند — تبدیل شد؛ از جمله در زمینه تاریخ، هرچند عنوان تمدنی ندارد، مباحث تمدنی فراوانی در این منابع آمده است. کتاب‌های تاریخ این دوره را می‌توان در سه گروه تاریخ عمومی، تاریخ قرآنی و تاریخ تک‌نگاری قرار داد.

۱-۱. تاریخ عمومی

از همان آغاز نگارش تاریخ در میان مسلمانان، تاریخ‌نگاری عمومی مورد توجه و اهمیت بوده است. آخرین مرحله تاریخ‌نگاری اسلامی منطقه خراسان در دوره تیموریان به روش روایی یا وقایع‌نگاری را شیعیان زیدی‌نسب افغانستان در چند کتاب محدود انجام داده‌اند که نشان می‌دهد تاریخ‌نویسی در افغانستان آن دوره، عام و گسترده نبوده و در همان دوره متوقف مانده است. برخی از کتاب‌های تاریخ عمومی این دوره عبارتند از:

الف) تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الخلفاء اثر سید محمد بن امیربرهان‌الدین خواندشاه بن شاه کمال‌الدین محمود بلخی (۸۳۵-۹۰۳ق) معروف به میرخواند یا میرخوند، از سادات زیدی افغانستان است که در سال ۸۹۹ قمری نوشته شده است. وی بعد از اتمام جلد ششم در ذی‌قعدة ۹۰۳ق، در ۶۶ سالگی در هرات درگذشت و جلد هفتم کتاب را خواندمیر، نواده دختری میرخواند، و جلدهای هشتم و نهم را رضاقلی خان هدایت در دوره قاجاریه به آن اضافه کرده‌اند؛ یک دوره ده جلدی از این کتاب تاریخ موجود است. این کتاب چند بار به صورت خلاصه یک جلدی و نیز در ده جلد چاپ و منتشر شده است.

ب) تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر اثر غیاث‌الدین حسینی (۸۸۰-۹۴۱ق) معروف به خواندمیر از شیعیان هرات و نواده دختری میرخواند است که مباحث تمدنی فراوانی در آن یافت می‌شود. وی در سال ۹۲۷ قمری به سفارش غیاث‌الدین امیرمحمد

فرزند امیر یوسف حسینی، از سادات نقبای هرات، شروع به نگارش کتاب کرد و جلد اول را به پایان رساند و دو جلد دیگر را به تشویق خواجه حبیب‌الله در سال ۹۳۰ق تمام کرد. وی در حدود سال ۹۳۳ق هرات را به قصد قندهار ترک کرد و در سال ۹۳۴ق رهسپار هند شد؛ سرانجام در ۹۴۱ یا ۹۴۲ق در شهر اگره درگذشت. این کتاب در سال ۱۲۶۳ق در هند و ۱۲۷۱ق در تهران به صورت سنگی چاپ شده و کتاب‌فروشی خیام تهران آن را در سه نوبت ۱۳۳۳، ۱۳۵۳ و ۱۳۶۳ در چهار جلد از روی نسخه هند چاپ کرده؛ اما کمیاب است. کتاب‌های *مآثرالملوک*، *خلاصه الاخبار فی بیان احوال الاخبار*، *مکارم الاخلاق*، *اخبار الاخبار*، *منتخب تاریخ و صاف*، *همایون‌نامه*، *خلاصه الاخبار*، *نامه نامی و دستور الوزرا*^۱ نیز از همین نویسنده‌اند که به غیر از *اخبار الاخبار* و *منتخب تاریخ و صاف*، به صورت خطی و چاپی در جاهای مختلف موجودند.

ج) *معارج النبوه فی مدارج الفتوه* اثر مولانا معین‌الدین محمد بن شرف‌الدین حاج محمد فراهی هروی (؟-۹۰۷ق) درباره تاریخ حضرت محمد(ص) است که در سال ۸۹۱ق تألیف شده است. مؤلف پس از حدود سی سال تدریس سیره و احادیث نبوی در مسجد هرات و تألیف کتاب‌هایی چون *نفایس الکلام* و *عرائیس الاقلام*، *روضه الواعظین*^۲ و *تفسیر بحرالدرر*، به درخواست بزرگی از بزرگان هرات، کلاس‌های اختصاصی در سیره نبوی دایر کرد. به دلیل مقبولیت مباحث مطرح‌شده، همان مباحث را در یک مقدمه، چهار رکن و یک خاتمه تدوین کرد که نسخه خطی آن (احتمالاً خط مؤلف) در کتابخانه ملی ایران (انوار، ۱۳۸۲: ۵۳/۵-۵۴) و سه نسخه خطی دیگر در انستیتوی آثار خطی تاجیکستان است.^۳ این کتاب در سال ۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م در مکتبه نوریه رضویه پاکستان چاپ شد که نام مؤلف را به اشتباه معین‌الدین کاشفی هروی ثبت کرده است.

د) *روضه الاحباب فی سیر النبوی و الاولاد و الاصحاب* اثر امیر جمال عطاءالله بن فضل‌الله مشهور به جمال حسینی هروی (؟-۹۲۷ق) از سادات زیدی‌نسب هرات است که در سه جلد شرح حال حضرت محمد(ص)، خاندان و اصحاب وی، خلفا، علی(ع) و دیگر امامان شیعه، علما، سلاطین، فتح قلعه‌ها، تاریخ آبادی عمارت‌ها، پل‌ها

و مساجد را در بر دارد. این کتاب در مدت پنج سال (۸۹۸-۹۰۳ق) تألیف و به امیر علی شیر نوایی تقدیم شده است (نفیسی، ۱۳۶۳: ۲۴۵/۱). میرخواند کتاب را دو جلد^۴ و تاریخ ختم آن را ۹۰۰ق می‌داند (میرخواند، ۱۳۸۵: ۳۵۹/۴). حدود هفت نسخه خطی از این کتاب در انستیتوی آثار خطی تاجیکستان است (موجانی و علی‌مردان، ۱۳۷۶: ۲۲۳/۲-۲۲۴). امیر عطاءالله از دانشمندان هرات است که به گفته خواندمیر، در اقسام علوم دینی و اصناف فنون، به خصوص علوم حدیث، مهارت کامل داشته و مدتی طولانی در مدرسه سلطانیه و خانقاه اخلاصیه هرات تدریس کرده است (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۱۷).

ه) مجمع الغرائب اثر مفتی بلخی سلطان محمد بن درویش محمد، که در زمینه تاریخ و جغرافیا در یک مقدمه، پانزده فصل و یک خاتمه نوشته شده است. این اثر جغرافیایی شامل معلومات گوناگون درباره فلک، عجایب بر و بحر، عالم نباتات و حیوانات، اخبار تاریخی، تصویر کشورها، شهرها (بلخ، بخارا، مکه و...) و مردمان آنها است که دو بار در سال‌های ۹۷۴ و ۹۸۴ق تألیف شده است؛ البته نسخه دوم را پسر نویسنده تکمیل کرده است. دو نسخه خطی از آن (یکی نامعلوم و دیگری ۱۲۸۳ق) در انستیتوی آثار خطی تاجیکستان است (موجانی و علی‌مردان، ۱۳۷۶: ۲۲۹/۲). از اینکه نسخه دوم را پسر نویسنده تکمیل کرده می‌توان دریافت که نویسنده قبل از تکمیل کتاب در گذشته است. به هر حال از زندگی وی چیز زیادی نمی‌دانیم؛ اما به گفته الذریعه، سلطان محمد در همین کتاب آورده است که پدرش در سال ۹۳۵ق از بلخ به سوی کوهپایه‌های بامیان مهاجرت کرده و در روز پنج‌شنبه اول ماه صفر سال ۹۵۷ق در گذشته است. آقابزرگ تهرانی این سفر را نشانه تشیع و اعتقاد وی به اهل بیت (ع) پنداشته است (تهرانی، ۱۳۹۰: ۳۵/۲۰). طبق این گزارش، پدر وی حدود هفده سال در بامیان زندگی کرده و در همان جا از دنیا رفته است. سلطان محمد نیز این کتاب را احتمالاً در بامیان نوشته است.

مطالب و باب‌های مجمع الغرائب نشان‌دهنده مباحث تمدنی کتاب است: ۱. تاریخ النبوی (ص)؛ ۲. فهرست المدن الكبيرة و عجایب کل منها؛ ۳. عجایب الانسان؛ ۴. عجایب الحيوانات؛ ۵. عجایب النباتات؛ ۶. عجایب الجبال والعيون والمجاری؛

۷. البحار؛ ۸. الصحاری؛ ۹. الكنيسات؛ ۱۰. مساحة وعمق البحار؛ ۱۱. مساحة الأرض و بعد البلاد؛ ۱۲. علم القیافة والفراسة؛ ۱۳. الطیبات؛ ۱۴. الحوادث العجیبة التاریخیة؛ ۱۵. کلمات القصار الأخلاقیة.

و) تذکره التواریخ اثر عبدالله کناهی کابلی، درباره تاریخ انبیا، اولیا، فضلا، شعرا، سلاطین و امرای تیموری هند و بناهای هند و افغانستان در قرن دهم قمری است. این اثر در سال ۱۰۱۰ق، در سه جلد نوشته شده (ارون‌بایف، موجانی و موسایف، ۱۳۷۶: ۴۴/۱) و نسخه خطی آن در کتابخانه «سالار جنگ» هندوستان است (عطاردی، ۱۳۷۶: ۱۴۲)؛ اما به گفته شمس‌الدین نورالدین اف،^۵ نام ایشان عبدالله کابلی یا عبادالله عبدالله کناهی و امتیاز کتاب آوردن ماده تاریخ^۶ است که در قالب یک مقدمه، شش طبقه و یک خاتمه مرتب شده است. وی می‌گوید سه نسخه از این کتاب با مشخصات ذیل در ازبکستان، تاجیکستان و هندوستان وجود داشته است:

- نسخه ازبکستان: با خط نستعلیق در ۲۵۸ ورق در اندازه ۲۴.۵ * ۱۵.۵ سانتی‌متر که در ۱۱ ربیع‌الاول ۱۰۱۰ق/۹ سپتامبر ۱۶۰۱م در پرگنه کشمیر انجام یافته است و به شماره ۲۰۹۳ در گنجینه نسخ خطی انستیتو شرق‌شناسی آکادمی علوم ازبکستان نگهداری می‌شود (نورالدین اف، ۱۳۶۵: ۶۴-۶۵). نورالدین اف همین نسخه را اصلی (افتوگراف) می‌داند که به خط خود عبدالله کابلی نوشته شده است (همان: ۶۵).

- نسخه تاجیکستان: این نسخه در سال ۱۹۵۳م در اوراتپه تاجیکستان یافته شده است و به شماره ۱۳۸ در انستیتو تاریخ آکادمی علوم تاجیکستان نگهداری می‌شود. به گفته نورالدین اف، این نسخه را در کابل شایق خطاط در سال ۱۱۴۷ق (حدود ۱۳۰ تا ۱۳۴ سال بعد از نسخه اصلی) به خط نستعلیق متمایل به شکسته در ۲۵۶ ورق و در اندازه ۱۵ * ۲۳ سانتی‌متر تحریر کرده است (همان: ۷۴).

- نسخه هند: نورالدین اف می‌گوید که این نسخه در موزه نسخ خطی سالارجنگ حیدرآباد هندوستان است؛ البته درباره مشخصات آن معلوماتی نداده است (همان: ۸۰). کتابخانه و موزه مجلس شورای اسلامی ایران کتاب تذکره التواریخ را به همت علیرضا قوجه‌زاده تصحیح و در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۹۳ش منتشر کرده است.

۲-۱. تاریخ یا قصص قرآنی

قرآن برای عبرت آموزی و تفکر در سرنوشت گذشتگان به تاریخ بیش از احکام توجه کرده است. مطالعه زندگی پیامبران الهی و امت‌های پیشین بخشی از تاریخ است که همیشه مورد توجه علمای اخلاق، تفسیر و تاریخ مسلمان، از جمله در دوره تیموریان، بوده است.

الف) *حدائق الحقایق* (تفسیر سوره یوسف) اثر معین‌الدین مسکین بن شرف‌الدین حاجی محمد فراهی هروی است. نسخه خطی نستعلیق این کتاب (احتمالاً قرن ۱۲ق در ۲۹۱ برگ با ۲۱ سطر کامل) در کتابخانه ملی ایران است (انوار، ۱۳۸۲: ۵/۵۲)؛ اما نسخه چاپ سنگی این کتاب به نام *حدائق الحقایق*، در سال ۱۲۷۸ق در تهران چاپ شده و در کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه (ش ۵۷۳) موجود است (صدرایی و حافظیان، ۱۳۸۳: ۸۲). نویسنده کتاب واعظ معروف زمان خود بود و تمام عمرش را در راه گسترش دانش فقه، حدیث و حکمت گذرانده و اشعاری در مناقب ائمه (ع) با تخلص معینی، معین، معین مسکین سروده است (نفیسی، ۱۳۶۳: ۱/۲۴۲). سه نسخه خطی از این کتاب به نام *حدائق الحقایق* (یا *حدائق الحقایق فی کشف الاسرار والحدائق*) در انستیتوی آثار خطی تاجیکستان است (موجانی و علی‌مردان، ۱۳۷۶: ۲/۲۴۳). کتاب فوق یک نوبت در لکنه‌و هند (۱۳۰۹ق) و با تصحیح و کوشش سید جعفر سجادی، چند نوبت در انتشارات امیر کبیر در سال‌های ۱۳۴۶، ۱۳۵۷ و ۱۳۶۴ش و یک نوبت در دانشگاه تهران (۱۳۴۶ش) چاپ شده است.

ب) *قصص موسی* اثر فراهی هروی، که در سال ۹۰۴ق (نفیسی، ۱۳۶۳: ۲/۲۴۲) سه سال پیش از وفات وی تألیف شده است. صاحب‌الذریعه که نسخه کتاب را در دستر دیده، می‌گوید این کتاب بعد از تفسیر سوره یوسف و استقبال و تقاضای مردم انجام یافته است (تهرانی، ۱۴۰۸: ۳/۲۷۲۸ و ۴/۳۲۸). کتاب را انتشارات علمی فرهنگی تهران در سال ۱۳۹۳ش با تصحیح محسن کیانی و احمد بهشتی شیرازی چاپ و منتشر کرده است. *قصص موسی* در واقع تفسیر داستان‌های تاریخی قرآن به سبک عرفانی است که این عارف و حکیم بزرگ شیعی دوره تیموریان تألیف کرده است.

ج) بحرالدرر اثر فراهی هروی، درباره تاریخ و روایات دینی در آفرینش عالم و آدم تا دوره رسول اکرم (ص) است. نسخه خطی آن (۶۸ برگ، رمضان ۱۲۱۱ق) در انستیتوی آثار خطی تاجیکستان است (موجانی و علی‌مردان، ۱۳۷۶: ۲/۲۱۵)؛ اما تهرانی این کتاب را با نام تفسیر بزرگ آورده که به زبان عربی و فارسی بوده است (تهرانی، ۱۴۰۸: ۳/۳۸). به گفته خواندمیر، هروی از اطبای حاذق دوره تیموریان بوده و مدتی در دارالشفای هرات بیماران را درمان می‌کرده است. او سال وفات وی را ۸۹۸ق می‌داند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۰۶ و ۲۰۷).

۳-۱. تاریخ‌نگاری

تک‌نگاری شیوه‌ای مرسوم در تاریخ‌نگاری است که معمولاً به دلیل اهمیت تاریخی، سیاسی، اعتقادی یا اجتماعی، کتابی درباره ابعاد مختلف یک حادثه یا زندگی یک شخص نوشته می‌شود. پادشاهان، تیمور و تیمورزادگان علاقه فراوانی به این سبک از تاریخ‌نگاری داشته‌اند، که به نام *ظفرنامه*‌ها چاپ و منتشر شده‌اند.

الف) *ظفرنامه* اثر سلطان احمد بن خاوند شاه حسینی، برادر میرخواند، از سادات شیعی زیدی نسب هرات است. این کتاب به دستور سلطان بدیع‌الزمان (حک ۹۱۱-۹۱۲ق) درباره تاریخ تیمور نوشته شده و در واقع خلاصه‌ای از کتاب *ظفرنامه* یزدی است (نفیسی، ۱۳۶۳: ۱/۲۴۱). چون سلطان بدیع‌الزمان در سال‌های ۹۱۱-۹۱۲ق حاکم هرات بوده، احتمال می‌رود این کتاب در همان سال‌ها تألیف شده باشد.

ب) *مختارنامه* یا *روضه المجاهدین* اثر عطاءالله بن حسام واعظ هروی است که در ۹۸۱ق درباره قیام مختار ثقفی تألیف شده است. کتاب در سال ۱۲۶۱ق به صورت سربی همراه هشت تصویر از صحنه‌های قیام باشکوه و انتقام‌جویانه مختار بن ابوعبید ثقفی و همراهان وی علیه قاتلان حضرت امام حسین (ع) و یارانش چاپ شده که اولین چاپ سربی در ایران به حساب می‌آید (بابازاده، ۱۳۷۸: ۵۹). نسخه چاپ سنگی کتاب در قطع رحلی (۱۳۲۲ق) در کتابخانه آستانه حضرت معصومه قم موجود است (صدرایی و

۲. نقش شیعیان در رشد و شکوفایی هنر دوره تیموریان

هنر، به خصوص نقاشی، نگارگری، مینیاتور و خطاطی از شاهکارهای جهانی تمدن اسلامی هرات در دوره تیموریان است که نمونه‌هایی از آثار نفیس و گران‌بهای آن در موزه‌های دنیا وجود دارد. هنر در دوره تیموریان را در دو بخش نقاشی و خط بررسی می‌کنیم.

۲-۱. شیعیان افغانستان و نقاشی دوره تیموریان

نقاشی، تذهیب و خوشنویسی، که در بادی نظر بینندگان را به یاد زمان شاه عباس می‌اندازد، محکم‌ترین پایه‌های آن در دوره تیموری در شهر هرات گذاشته شده و همه نقاشان و خوشنویسان دوره‌های بعد شاگردان مستقیم و تربیت‌شدگان استادان هرات بوده‌اند (نفیسی، ۱۳۶۳: ۲۲۸).

دوره حسین بایقرا از دوره‌های طلایی هرات در نقاشی به شمار می‌رود، به طوری که دربار این پادشاه در تمام آسیا معروف شده بود و بسیاری از شعرا، ادبا، هنرمندان و موسیقی‌دانان به آن دربار رو آورده بودند (زکی، ۱۳۶۶: ۱۰۹). حتی گفته شده صنعت عکس^۷ را مولانا کپک هروی در زمان شاه طهماسب صفوی در هرات ابداع کرده است (قمی، ۱۳۶۶: ۴۳). آگاهان هنر نقاشی بر این باورند که نقاشی در ایران از زمان تیموریان، به‌خصوص با نقش‌آفرینی هنرمندان استادی چون کمال‌الدین بهزاد در مکتب هرات، به اوج خود رسیده و کتاب‌هایی مانند شاهنامه فردوسی، شاهنامه محمد جوکی^۸ (فرزند شاهرخ)، کلیله و دمنه، معراج‌نامه، گلستان و بوستان سعدی و خمسه نظامی به سبک مکتب هرات در این دوره نقاشی شده‌اند. در بسیاری از تصاویر و نقاشی‌ها آموزه‌های مذهبی شیعی دیده می‌شود؛ از جمله:

الف) دو تصویر از تصاویری که در نسخه خطی کتاب تاریخی مولانا نورالدین لطف‌الله معروف به حافظ ابرو (احتمالاً ۷۶۳-۸۳۳ق) نقاشی شده و در کتابخانه توپ‌قاپو سرای استانبول ترکیه نگهداری می‌شود. تصویر نخست حضرت علی (ع) را در www.SID.ir ^۹ نشان می‌دهد که به عنوان شجاع‌ترین رزمنده سپاه اسلام، در قلعه را در

دست دارد و در حال پایین انداختن آن است. تصویر دیگر نیز حضرت علی(ع) را در کنار پیامبر(ص) در مسجد نشان می‌دهد که شمشیرش را حمایل کرده است (شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۷۹-۸۱). این نسخه از کتاب در دوره شاهرخ و به سفارش وی تهیه شده است. نقاشی و تصویرپردازی آن نشان‌دهنده فضل، شجاعت و همراهی حضرت علی(ع) با پیامبر(ص) و عنصر شیعی است.

ب) نقاشی‌های نسخه خطی و مصور کتاب *معراج‌نامه*^{۱۰} سده نهم قمری که به زبان ترکی برای شاهرخ در هرات خطاطی شده، ۶۱ نقاشی تذهیب‌شده از مراحل معراج حضرت محمد(ص) دارد. برخی از تصاویر آن حضرت محمد(ص) را در حال قنوت نماز نشان می‌دهند. تصویری دیگر حضرت محمد(ص) و حضرت علی(ع) را کنار حوض کوثر به تصویر کشیده در حالی که پشت سر آنان سه در بهشت قرار دارد. بر در اول عبارت طیبه «لا اله الا الله»، بر در دوم عبارت «محمد رسول الله» و بر در سوم عبارت «علی ولی الله» خطاطی شده که هم تصویر قنوت و هم شهادتین بیانگر عقاید شیعی نقاش است.

ج) تصویر شماره سه در نسخه خطی *کلیله و دمنه*، مربوط به سال‌های ۸۶۵ تا ۸۷۰ق در کتابخانه گلستان تهران است که در آن تصاویر پیامبر(ص)، حضرت علی(ع)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) به شیوه مکتب هرات نگارگری شده است.

همه این تصاویر تأثیر مستقیم شیعیان افغانستان بر هنر (نقاشی، نگارگری، خطاطی و...) تمدن اسلامی دوره تیموریان را نشان می‌دهند.^{۱۱} در منابع به نام نقاشان این تصاویر اشاره نشده است؛ اما از نقاشان معروف دوره تیموریان مکتب هرات می‌توان به تنی چند اشاره کرد:

— کمال‌الدین بهزاد (۸۴۴ق-۹۰) نقاش هراتی که مانی ثانی لقب گرفته است (واصفی، ۱۳۵۰: ۱۴۵/۱). وی از زمان سلطان حسین بایقرا تا زمان شاه اسماعیل صفوی فعالیت می‌کرده و به گفته نفیسی، چه در زمان خود و چه بعد از آن در فن خود اولین بوده است (نفیسی، ۱۳۶۳: ۳۳۸/۱).

— امیر روح‌الله مشهور به میرک، نقاش قرن نهم قمری از سادات نبوی‌نسب هرات است (شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۴۸). به گفته قمی، وی در تذهیب، تصویر و خط بی‌نظیر زمان خود بوده و بیشتر کتیبه‌های عمارات هرات را می‌نوشته است (قمی، ۱۳۶۶: ۱۳۳). او مدتی رئیس کتابخانه سلطان حسین بایقرا در هرات بوده است (ایران‌شهر، ۱۳۴۲: ۷۹۹/۱). او بین سال‌های ۸۸۵ تا ۹۳۵ق فعالیت می‌کرده و سه مجلس از آثار وی در خمسه نظامی در کتابخانه فخرالدین نصیری تهران موجود است (حیبی، بی‌تا: ۳۱). وقتی بهزاد در کودکی پدر و مادرش را از دست داد، میرک نقاش که کتابدار سلطان حسین میرزا بود، سرپرستی و تربیت بهزاد را به عهده گرفت. این مطلب نشان می‌دهد که بهزاد از بستگان روح‌الله نقاش و از سادات هرات بوده است.

— حسن نقاش هروی که درباره زندگی‌اش چیزی نمی‌دانیم، اما در نقاشی بی‌مانند عصر خود بوده است (شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۴۸). وی به فرمان محمدخان شرف‌الدین اوغلی تکلو (۹۶۴-۹۶۴ق) نقاشی‌های داخل روضه امام رضا(ع) را انجام داده و بر سردر زیارت این بیت را نوشته است:

حسن به گرد درت گشته بر طریق طواف تو کعبه‌وار همه حاجتش روا کردی

وی در دارالسلطنه هرات وفات یافت و در جنب مزار پیر هرات دفن شد (قمی، ۱۳۶۶: ۱۴۲).

— غیاث‌الدین هروی، نقاش و نویسنده که در سال ۸۲۲ق در قالب یک هیئت سیاسی همراه با میرزا بایسنقر به چین سفر کرد و از زمان خروج از دارالسلطنه هرات تا بازگشت در سال ۸۲۵ق، وضعیت شهرها، راه‌ها، رسوم و عادات مردم و ملوک نامدار را به صورت روزانه ثبت و گزارش کرده است (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲ دفتر اول ۳۲۷). این مطلب اهمیت روابط فرهنگی چین و امپراتوری تیموریان را، که شاهزادگان تیموری توجه خاص به گسترش آن داشته‌اند، نشان می‌دهد.

— ملاحاجی محمد (۹۱۳-۹۱۳ق) هم عصر میرک نقاش، ذوفنون زمان بود و در تذهیب و تصویر مهارت تمام داشت. وی مدتی کتابدار علی‌شیر نوایی بود؛ اما از او

رنجیده‌خاطر شد و از سال ۹۰۴ق به شاهزاده بدیع‌الزمان پیوست (قمی، ۱۳۶۶: ۱۳۳). به گفته خواندمیر، وی نجار ماهری نیز بوده است (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۴۲) و احتمال می‌رود برخی از حکاکی‌های دیوار هرات را همین هنرمند انجام داده باشد.

— قاسم علی چهره‌گشا (قرن نهم قمری) از شاگردان مکتب نقاشی بهزاد در هرات در دوره سلطان حسین بایقرا بود. وی نقاشی را در کتابخانه علی‌شیر نوایی فراگرفت و از اساتید این فن به حساب می‌آمد. نقاشی او در نسخه خطی سال ۸۹۰ق خمسه نظامی در کتابخانه بورلی آکسفورد وجود دارد. بهترین آنها تصویری است که جماعت صوفیه را در باغی سبز و خرم نشان می‌دهد (زکی، ۱۳۶۶: ۱۱۶). این تصویر هفت نقاشی دارد که در آخر یکی از آنها نام قاسم علی نقاش به طور مشخص درج شده است.

نقاشی مکتب هرات محصور در آن شهر نماند، بلکه به دلیل اوج هنری و شکوفایی طرح و زیبایی به خارج از افغانستان نیز راه یافت. به گفته دیماندا،^{۱۴} از آنجا که شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۱۶ق، بهزاد و تعدادی از شاگردان او (شیخزاده و سلطان محمد که پیش‌تر به تبریز آمده بودند) را به تبریز منتقل کرد، می‌توان بهزاد را مؤسس مکتب نقاشی صفوی تبریز به شمار آورد (دیماندا، ۱۳۸۱: ۵۵-۶۱)؛ چون بسیاری از نقاشی‌های دوره صفویه تحت اشراف مستقیم بهزاد یا شاگردان وی صورت گرفته است. سلطان محمد از ندیمان شاه طهماسب شد و شاه از وی درس نقاشی فرا می‌گرفت. تابتلی نیز عقیده دارد که مکتب هرات در دوران پیروی (پسر جهان‌شاه) به دست هنرمندانی که در اوایل ۸۷۵ق، از هرات به شیراز سفر کرده بودند، همچنان فعال باقی ماند (شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۶۴). دیماندا همچنین معتقد است که در حدود سال ۹۴۲ق/۱۵۳۵م بسیاری از نقاشان و خوشنویسان مکتب هرات به بخارا منتقل یا تبعید شدند و در بخارا به همان اسلوب مکتب هرات، به‌خصوص به سبک بهزاد، به کار خود ادامه دادند. البته محمود مذهب، از شاگردان میرعلی خطاط، پیش از آن به بخارا رفته بود (دیماندا، ۱۳۸۱: ۶۵). از طرفی، نقاشی‌های بازمانده از هند دوره بابر تیموری نیز تا حدودی اسلوب مکتب هرات را نشان می‌دهند و همه محققان به تأثیر اسلوب نقاشان مکتب هرات و تبریز بر آنها اشاره کرده‌اند.

به گفته زکی، مکتب نقاشی هرات دارای سبک خاصی بوده که در ادامه به تمایزات مهم آن اشاره می‌شود:

۱. مناظر زیبای گل‌ها و گلزارها و مناظر بهاری؛
۲. به کارگرفتن رنگ‌های درخشان آبی که هیچ‌گاه خروج از رنگی به رنگ دیگر، وحدت و استقلال آنها را متزلزل نمی‌کند؛
۳. مناظر طبیعی کوه و تپه‌هایی که به شکل اسفنج کشیده شده‌اند؛
۴. ایجاد هماهنگی و نسبت معقول و مقبول میان اشخاص و ساختمان‌ها با سایر مناظر (زکی، ۱۳۶۶: ۱۰۰).

البته مهم‌ترین ممیزه مکتب هرات حذف عنصر چینی (چهره حیوانات) از نقاشی‌های دوره تیموریان است که نشان می‌دهد هنرمندان و نقاشان مکتب هرات آموزه‌های دینی و اسلامی را در نقاشی رعایت می‌کرده‌اند.

هنر دوره تیموری منحصر در نقاشی، طراحی و خطاطی نبود، بلکه جلدسازی و صنعت صحافی (به‌خصوص چرمی) نیز در این دوره به حد کمال بود و با نهایت دقت و مهارت انجام می‌شد. ترکیب‌بندی روی جلد نسخه‌های مصور دوره تیموریان معمولاً زمینه‌ای مستطیل با ترنجی در وسط بود که دو سر ترنج بالا و پایین و نیز چهار لچکی در چارگوش قرار داشتند و تمام سطح آن با طرح اسلیمی‌های گل و گیاه و تزیین شاخ و برگ بر زمینه سیاه پوشیده شده بود. به عقیده بلر، همین طرح و نقش به قالی‌بافی آن دوره منتقل شده و نمونه‌هایی از این جلدها در کتابخانه توپ‌قاپو سرای ترکیه است (بلر و ام، ۱۳۸۲: ۱۰۳/۱). بلر^{۱۵} در کتاب خود یک نمونه بسیار بدیع و عالی از جلد یک نسخه از مثنوی مولوی جلال‌الدین بلخی را آورده که به سال ۸۶۶ق در هرات برای سلطان حسین بایقرا تهیه شده است.^{۱۶} آلبر می‌گوید: «شبهات‌های میان تزیین‌نسخ خطی و هنر قالی‌بافی وجود دارد، مانند صحافی با چرم نازک که با فلز گرم به سبک آرابسک طلایی تزیین می‌کردند» (لابار، ۱۳۸۶: ۶۷-۶۸). تأثیر نقاشی، نگارگری و طراحی این دوره بر جلد کتاب و حتی قالی‌ها علاوه بر اینکه ارزش هنری داشت، پیوند صنعت قالی‌بافی و نقاشی را به‌وضوح نشان می‌دهد.

۲-۲. شیعیان، خط و خطاطی دوره تیموریان

خداوند به قلم و نوشتن قسم یاد کرده،^{۱۷} تعلیم آن را به خود نسبت داده است.^{۱۸} پیامبر اسلام (ص) نیز زیبایی خط را برای وضوح، روشنائی و گسترش حق مؤثر^{۱۹} و کلید گشایش روزی^{۲۰} می‌داند. از آنجا که هنر خط به دور از درگیری‌های اجتماعی و سیاسی بیشتر در خدمت استنساخ آیات قرآن، غزل و قصیده شعرای شیعه بود، مورد توجه علما، حکما و فرمانروایان تیموری قرار گرفت؛ از این رو در مکتب هرات دوره تیموریان نسخه‌های بسیار نظیف و گران‌بها از آیات کلام الله مجید و نمونه اشعار شاعران شیعه خلق شد و دوره طلایی تاریخ خط و خوشنویسی رقم خورد که به دلیل وضعیت نابسامان افغانستان و بی‌توجهی متولیان فرهنگ و هنر، بخشی از آنها در دیگر کشورهای اسلامی، اروپایی و امریکایی نگهداری می‌شود. در ادامه به انواع خط و آثار خطی این دوره اشاره می‌شود.

۲-۲-۱. انواع خط

در دوره تیموریان با شش نوع خط کتابت می‌شده است: نسخ، ثلث، مُحَقَّق، ریحانی، رِقَاع و توقیع. البته در سده سیزدهم خطاطان و خوشنویسان خط دیگری را از ترکیب خط‌های نسخ، رِقَاع و توقیع به نام «تعلیق» یا «تَرْسُل» ابداع کردند که بیشتر نامه‌های دولتی با آن نگاشته می‌شد. در نیمه قرن چهاردهم هم شیوه دیگری در خطاطی از ترکیب دو قلم نسخ و تعلیق به نام «نستعلیق» به وجود آمد که به خط خراسانی نیز شهرت دارد. این شیوه در کتیبه‌نویسی، دیوان‌نویسی، کتاب و رساله فرمان‌ها کاربرد بیشتری داشته است. چون تزئین خط همیشه مورد توجه هنرمندان خطاط بود، از ترکیب تعلیق و نستعلیق خط دیگری به نام «شکسته» یا «شکست» ایجاد کردند که در رساله‌ها و مکتوب‌های دولتی و غیر دولتی کاربرد داشته است. این هنر ارزشمند از زمان‌های دور تا به امروز در افغانستان حفظ شده و امروزه نیز استادان ماهری در این زمینه وجود دارند. سرآمد خطاطان دوره تیموریان میرعلی هروی شیعی (م ۹۵۱ق) است که رساله‌ای در باب ساختن جوهر، صنعت کاغذ، رنگ‌ها، قلم، و قاعده نوشتن حروف

و مسائلی از این دست تألیف و به شاه اسماعیل صفوی شاه شیعی ایران، تقدیم کرده است. یک نسخه خطی از این کتاب (۱۱۴۱ق) در انستیتوی خطی تاجیکستان است (موجانی، ۱۳۷۹: ۱۸۳).

۲-۲-۲. انواع آثار خطی دوره تیموریان

آثار خطی این دوره را می‌توان در نسخ قرآنی و ادعیه، برخی کتاب‌های تاریخی یا دینی و اشعار — غزل یا قصیده — شعرای شیعه تقسیم‌بندی کرد.

الف) آثار خطی قرآنی و حدیثی

برخی از آثار خطی خوشنویسان شیعه که در دوران تیموریان می‌زیسته‌اند را در ادامه می‌آوریم:

— نسخه خطی قرآن به خط عبدالله طباطبائی هروی شیعی مذهب (؟-۸۸۵ق؛ غور) که هر صفحه آن به سه نوع خط است. این کتاب از کتابخانه شاهان هند به کتابخانه عمومی کابل آورده شده است (حبیبی، بی‌تا: ۷۸۵). نمونه خط این هنرمند، که در سال ۸۴۵ق از سوره ناس تحریر شده، در بخش تصاویر کتاب *زبده التواریخ* حافظ ابرو، صفحه ۱۲۴۰ تصویر شماره ۸۶ آمده است (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۱۲۴۰/۲). بانک پاسارگاد روز جمعه ۲۱ اسفند ۱۳۹۴ با حضور علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران و محمد فرهادی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری ایران در دانشگاه خاتم از قرآن خطی بسیار نفیس به خط عبدالله طباطبائی هروی رونمایی کرد. به گفته مجید قاسمی، رئیس دانشگاه خاتم، این نسخه خطی برای چاپ به آلمان فرستاده شده و با مرغوب‌ترین کاغذ و البته با چرم ایرانی جلد شده است.

— یک نسخه خطی از کلمات قصار حضرت علی (ع) از کمال‌الدین حسین هروی (م ۹۷۲ یا ۹۷۴ق) که در سال ۹۳۳ق کتابت شده و در کتابخانه سلطنتی تهران نگهداری می‌شود. این نوشته بر کتیبه صدف مسجد جامع اصفهان (کتابت ۹۳۸ق) دیده می‌شود. مرقع سید احمد مشهدی به خط همین هنرمند نیز در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول

است (بیانی، ۱۳۴۵: ۱/۱۶۹). وی استاد خطوط شش‌گانه، حافظ قرآن و از درویشان هرات بود که مدتی در عراق شیعه زیست و در مشهد درگذشت (همان).

— نسخه کامل قرآن کریم (کتابت ۹۶۸ق) به خط نستعلیق اثر دوست محمد کوشوانی هروی شیعی که یک جزء آن در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول است (بیانی، ۱۳۴۵: ۱/۱۹۰). ظاهراً یک نسخه خطی دیگر از قرآن به خط نسخ، ثلث و ریحان از همین هنرمند وجود دارد که در سال ۱۰۹۴ق آقای کافور آن را وقف آستانه قم کرده و در موزه آستانه نگهداری می‌شود (همان: ۱۹۱).

— نسخه خطی قرآن کریم به خط ثلث محمد حسین الماس که در کتابخانه علوی مزار شریف است (حبیبی، بی تا: ۳۸۲).

— نسخه خطی قرآن به خط نسخ ریحانی محمود سلطانی که در سال ۸۴۶ق در دارالسلطنه هرات کتابت شده است (حبیبی، بی تا: ۴۸۳).

— نسخه خطی از تفسیر چرخ‌چی به خط جمال‌الدین محمد هروی که در سال ۹۴۱ق تحریر شده و در انستیتوی آثار خطی تاجیکستان است (موجانی و علی‌مردان، ۱۳۷۶: ۲/۲۳۶).

— نسخه خطی از همان تفسیر به خط میرکامل بن میرشاه عوض بن ولی روستاکی که در انستیتوی آثار خطی تاجیکستان است (همان: ۲۳۶/۲-۲۳۸).

— نسخه خطی از تفسیر قرآن به خط نستعلیق احمد بن نعمت‌الله هروی که در ربیع‌الثانی ۹۸۲ق در شهر هرات کتابت شده و به شماره ۲۸۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد است (صدرایی، ۱۳۸۳: ۲۰۰).

— نسخه خطی از تفسیر حسین به خط نسخ خفی جلال‌الدین هروی (کتابت ۹۶۱ق) که در موزه هرات است (حبیبی، بی تا: ۳۴۸).

— نسخه خطی نستعلیق و نسخ از شرح نهج‌البلاغه به خط عبدالله بن علی (کتابت ۱۰۶۱ق) که در کتابخانه عمومی کابل است (همان: ۳۶۹).

ب) کتیبه‌ها، اشعار و دعا‌های خطی

— نسخه خطی دو قصیده منسوب به حضرت علی (کتابت ۹۳۰ق) که در کتابخانه ملامحمد صدیق هروی هرات و نسخه خطی مناجات آن حضرت در ارگ کابل (حبیبی، بی‌تا: ۳۵۲) نگهداری می‌شود. نیز تعدادی از کتیبه‌های حرم امام رضا(ع) به خط میرعلی کاتب هروی(م ۹۵۱ق) از سادات حسینی هرات از کاتبان سلطان حسین بایقرا است (باربارا، ۱۳۸۴: ۴۱). نسخ خطی زیبایی دیگری از این هنرمند هروی در موزه‌های دنیا نگهداری می‌شود؛ از جمله نسخه خطی خمسه نظامی (کتابت ۹۲۸ق) (حبیبی، بی‌تا: ۴۸۵)، نسخه خطی بوستان سعدی در مجموعه گل بنکیان پاریس (همان: ۷۱۰)، مخزن الاسرار نظامی (کتابت ۹۴۴ق) در کتابخانه ملی پاریس (همان: ۷۱۳) و حدیقه السعدا — ترجمه عربی روضه الشهداء — در کتابخانه قاهره (همان: ۷۸۵).

— یک نسخه خطی از دیوان حضرت علی(ع) از دوست محمد کوشوانی هروی، یکی از چهل هنرمند دربار بایسنقر میرزا (۸۰۲-۸۳۷ق) که به همراه قطعه‌ای از مرقع سید احمد مشهدی (کتابت ۹۳۸ق) در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول است (بیانی، ۱۳۴۵: ۱۹۱/۱).

— کتیبه دعای جوشن کبیر به خط کوفی که بین سال‌های ۸۲۹ – ۸۳۳ ق بر دیواره مرقد خواجه عبدالله انصاری در گازرگاه هرات حکاکی شده است. این دعا دارای صد بند است که شیعیان در شب‌های قدر ماه مبارک رمضان می‌خوانند.

— سلطان علی مشهدی شیعه مذهب (؟-۹۱۹ق) معروف به سلطان الخطاطین، کاتب دربار سلطان حسین بایقرا و امیر علی شیر نوایی که از سال ۸۷۵ تا ۹۱۲ق (زکی، ۱۳۶۶: ۶۹)، حدود ۳۷ سال، در هرات زیسته، همه روزه به نگاشتن، تذهیب‌کاری نفیسه و رسامی برجسته و مانند اینها مشغول بوده و کتیبه‌های بناهای خیریه و مساجد هرات را، که از بناهای سلطان حسین بایقرا و امیر علی شیر نوایی بودند، به خط نستعلیق اعلا می‌نگاشته است. از جمله کتیبه‌های برجسته او کتیبه‌های باغ جهان‌آرای هرات (ایرانی، بی‌تا: ۱۵۹-۱۶۰) و نسخه خطی بوستان سعدی، ۸۹۳ق، در دارالکتب مصر موجود است

(زکی، ۱۳۶۶: ۱۱۲).

— نسخه خطی دعای «نادعلی» به خط مولانا اظهر (اظهر) هراتی (۸۸۰؟) خطاط برجسته و مشهور شیعی مذهب دوره تیموریان که به بارگاه ابوالمظفر سلطان محمد بهادر تیموری اهدا شده (واصفی، ۱۳۵۰: ۱۳۱/۲) و یک آلبوم حاوی ۲۵ ورق از آثار هنری وی در کتابخانه دانشگاه علیگر هند است (حبیبی، بی‌تا: ۷۳۶).

ج) کتاب‌های خطی

— از خطاطان بسیار معروف دوره تیموریان، علی بن محمد هروی بنایی (یا کمال‌الدین بنایی) فرزند محمد سبز بنا (بایر، ۱۳۸۸: ۱۱۶) معروف به مولانا بنایی هروی با گرایش شیعی (۹۱۸-۹۱۸ق) از سرآمدان روزگار در خط، موسیقی و شعر است. او غزل، مثنوی و تصنیفاتی در موسیقی دارد و دیوانی در پاسخ به غزل‌های سعدی و حافظ با تخلص «حالی» ترتیب داده است (آذر، ۱۳۳۷: ۱۵۲). به دو اثر خطی از وی اشاره می‌کنیم: ۱. کتاب تاریخ شیبانی که در انستیتوی شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی تاشکند (ارون‌بایف، موجانی و موسایف، ۱۳۷۶: ۷۹/۱) و ۲. نسخه‌ای دیگر از همان کتاب به نام فتوحات خانگی که در انستیتوی آثار خطی تاجیکستان است (موجانی و علی‌مردان، ۱۳۷۶: ۶۳/۱).

— نسخه خطی *نزهه الارواح*^{۲۱} و نسخه خطی *لمعات عراقی* به خط عارف هروی، فرزند میر روح‌الله که در سال ۹۰۱ق کتابت شده و در کتابخانه دانشگاه استانبول نگهداری می‌شود (بیانی، ۱۳۴۵: ۳۳۹/۲).

— نسخه خطی از *بدایع الانشاء* یوسف هروی به خط عبدالباقی، مشهور به خالدار محمد، که در انستیتوی آثار خطی تاجیکستان است (موجانی و علی‌مردان، ۱۳۷۶: ۲۵/۱). این کتاب در زمینه ادبیات، علوم ادبی، علم انشا و مجموعه نامه‌ها به اشخاص عالی‌رتبه است که در سال ۹۴۰ق برای پسرش رفیع‌الدین حسن در هند نوشته است.

— نسخه خطی *کنز الرموز*^{۲۲} به خط معزالدین محمد حسینی که در کتابخانه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی است (انجمن آثار مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰: ۱۴۹-۱۵۰).

— نسخ خطی *اخلاق محسنی* به خط حسن محمد کاتب هروی که در ۹۶۱ق تحریر شده و در موزه هرات نگهداری می‌شود (حبیبی، بی‌تا: ۳۴۷). در اینکه حسن محمد کاتب

همان حسن کاتب است و محمد نام پدر او است یا دو نفر هستند، بیانی احتمال داده هر دو یک نفر باشد (بیانی، ۱۳۴۵: ۱۴۷/۱).

— نسخه خطی از جامع الفوائد یوسف هروری به خط محمد هاشم بن محمد ابراهیم (؟۱۲۸۱ق) که با شماره ثبت ۶۶۷۵۷، در مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نگهداری می‌شود (منزوی، ۱۳۷۷: ۷۱/۱).

نتیجه‌گیری

تمدن اسلامی در هرات دوره تیموریان با هنر، اعم از خطاطی، تذهیب، مینیاتور، نگارگری و آنچه مربوط به صنعت کتاب و کتاب‌آرایی، به‌خصوص با ایجاد مکتب نقاشی هرات، توسعه یافت و تا اطراف شهرهای خراسان بزرگ، حتی بخش‌هایی از شبه‌قاره هند، رسید. به گفته برخی از محققان تاریخ هنر اسلامی، دامنه وسیع آن در طرح و نقش قالین‌های اروپای قرن پانزده و شانزده میلادی دیده می‌شود.

هرچند در منابع تاریخی و پژوهش‌های محققان تاریخ هنر و تمدن اسلامی دوره تیموریان از بینش و نگرش مذهبی نقاشان، هنرمندان مینیاتور، نگارگران، خطاطان و طراحان نقش و طرح قالین‌های دوره تیموریان سخن گفته نشده است، تحلیل نگاره‌ها، انتخاب کلمات و صحنه‌های تاریخی و وقایع و حوادث مهم صدر اسلام که در نقاشی‌ها به کار رفته‌اند، باورهای اختصاصی تشیع امامیه را نشان می‌دهند و دلیل روشنی بر نقش اساسی هنرمندان شیعه افغانستان در ایجاد یا گسترش رنسانس اسلامی هنری دوره تیموریان هستند. این در حالی است که رشته‌های مختلف علوم متداول، از قبیل پزشکی، ریاضی، جغرافیا، فقه، حدیث، تفسیر و حتی نجوم، که در همین دوره در سمرقند با زیج الغ بیگ به اوج شکوفایی رسیده بودند، در هرات دیده نمی‌شوند.

آخرین مرحله تاریخ‌نگاری اسلامی به سبک مورخان پیشین مسلمان، در این دوره و به دست چند مورخ صاحب‌نام شیعی در هرات صورت گرفته که کتاب تاریخ دیگری به آن پایه به وجود نیامده است.

در زمینه اخلاق که از عناصر مهم شکل‌گیری هر تمدن به حساب می‌آید، نیز گزارش‌های تاریخی دوره تیموریان نشان‌دهنده نقش مهم علمای شیعه در بیان مسائل اخلاقی و اصلاح جامعه بر اساس الگوی اسلامی است که جلسات آن به طور مداوم در خانقاه‌ها، مدارس، مساجد و دیگر اماکن عمومی دولتی و خصوصی هرات برگزار می‌شده است.

می‌توان هرات دوره تیموریان را مرکز رشد و توسعه هنری تمدن اسلامی، اعم از خطاطی، نقاشی، تذهیب، نگارگری و مینیاتور، به حساب آورد که بر اساس استنباط برخی از پژوهشگران تاریخ هنر اسلامی، بر طرح و نقش قالبین‌های دوره تیموریان در هرات اثر گذاشته و به اشتباه این قالبین‌ها به شهرهای دیگر، مثل تبریز یا اصفهان، نسبت داده شده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. دستورالوزرا در مصر به عربی ترجمه شده است (۱۹۸۰م). بخش‌هایی از حبیب‌السییر نیز به زبان‌های ترکی، روسی، فرانسوی و انگلیسی ترجمه شده است (استوری، ۱۳۶۲: ۵۶۳، ۵۶۴ و ۵۶۵).
۲. این کتاب در ۸۹۳ق در چهل مجلس تألیف شده و دو نسخه خطی آن (۱۰۹۱ق در ۳۷۰ ورق و ۱۲۳۴ق در ۱۵۳ ورق) در انستیتوی نسخ خطی تاجیکستان است (موجانی، ۱۳۷۶: ۲۰۲/۲).
۳. یکی در ۱۱۹۰ق و دوتای دیگر در قرن ۱۳ق نوشته شده‌اند (موجانی، ۱۳۷۹: ۱۸۴/۳ و ۱۸۵).
۴. خواندمیر، ۱۳۷۸: ۶۴.
۵. عضو علمی انستیتوی شرق‌شناسی آکادمی علوم تاجیکستان در زمان شوروی بوده است.
۶. تاریخ وفات یا ولادت اشخاص را به شعر گفته است.
۷. یک نوع تزئین حواشی برای کتب نفیس و گران‌بها بوده است.
۸. نسخه خطی، مصور و مذهب از شاهنامه محمد جوکی در کتابخانه انجمن آسیایی سلطنتی انگلستان موجود است که احتمالاً در ۸۳۴ق کتابت شده است (کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۴۲: ۷۹۸).
۹. جنگ خیبر در سال هفتم هجرت به وقوع پیوست. در این جنگ پیامبر (ص) فرمود: «فردا پرچم را به دست کسی می‌دهم که خدا و رسولش را دوست دارد و خداوند و رسول نیز او را دوست دارند و قلعه خیبر را خداوند به دست او فتح خواهد کرد» (عسقلانی، ۱۴۱۵: ۳۸/۱).
۱۰. به گفته بلر، این نسخه به ابعاد ۳۴.۳ * ۲۵.۴ سانتی‌متر است که احتمالاً در ۸۴۰ق/۱۴۳۶م ملک‌بخش هروی آن را کتابت و از آن نسخه‌برداری کرده است (بلر و ام، ۱۳۸۲: ۹۴/۱)؛ این نسخه در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود.
۱۱. خانم شایسته‌فر این تصاویر را در کتابشان آورده‌اند (۱۳۸۴: ۷۳، ۷۶، ۱۰۱ و ۱۰۷).

اثرگذاری شیعیان بر رشد و شکوفایی تمدن اسلامی قرن نهم و دهم افغانستان / ۶۷

۱۲. قمی سال تولد را ۸۵۴ق و سال وفات را ۹۴۲ق گفته است (قمی، ۱۳۶۶: ۱۳۳).
۱۳. محمدخان شرف‌الدین اوغلی تکلؤ حاکم قزوین (۹۳۳_۹۳۵ق)، بغداد (۹۳۵_۹۴۰ق) و هرات (۹۴۳_۹۶۴ق) بوده است.

14. Dimand murice sven

15. Blair Shela s.

۱۶. بلر این تصاویر را در کتابش آورده است (۱۳۸۲: ۱۰۲ و ۱۰۳).
۱۷. «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (قلم: ۱).
۱۸. «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (علق: ۴).
۱۹. «الْخَطَّ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْحَقَّ وَضَحًا؛ خَطَّ نِيكُو وَضُوحَ حَقِّ رَا افزُون مِی کِنْد» (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۷۶).
۲۰. «عَلَيْكُمْ بِحَسَنِ الْخَطِّ فَإِنَّهُ مِنْ مَفَاتِيحِ الرَّزْقِ» (میرداماد، ۱۳۱۱: ۲۰۲).
۲۱. اثر عرفانی امیر حسینی از شیعیان غور.
۲۲. اثر عرفانی امیر حسینی از شیعیان غور.

منابع

ارون بایف، عظام‌الدین، موجانی، سید علی و موسایف، شاه نیاز (۱۳۷۶)، *فهرست نسخ خطی فارسی گنجینه انستیتوی شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی تاشکند*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ج ۱، ج ۱ (بخش اول).

استوری، چارلز آمبروز (۱۳۶۲)، *ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری*، ترجمه یحیی آرین پور، سیروس ایزدی و کریم کشاورز، تهران: چاپ احمد منزوی.

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (۱۳۸۰)، *فهرست نسخه‌های خطی فارسی و عربی*، تهران: کتابخانه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ج ۱.

انوار، سید عبدالله (۱۳۸۲)، *فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران*، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، ج ۳، ج ۵.

ایرانی، عبدالحمید (بی‌تا)، *پیدایش خط و خطاطان*، تهران: انتشارات سیاولی «فرهنگ‌سرا».

آذر، بیگدلی (۱۳۳۷)، *آتشکده آذر*، به اهتمام سید جعفر شهیدی، بی‌جا: مؤسسه نشر کتاب، ج ۱.

آلبر، لابر (۱۳۸۶)، *تاریخ کتاب*، ترجمه محمد خادمی، تهران: کلبدر، ج ۱.

بابازاده، شهلا (۱۳۷۸)، *تاریخ چاپ در ایران*، تهران: کتابخانه طهوری، ج ۱.

بابر، ظهیرالدین محمد (۱۳۸۸)، *بأبرنامه*، ترجمه شفیقه یار قین، کابل: انستیتوت دیپلماسی و مطالعات استراتژیک وزارت خارجه افغانستان، ج ۱.

بلر، شیلا اس. و جانانان ام. (۱۳۸۲)، *هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی دوره ایلیخانیان و تیموریان*، ترجمه سید محمدموسی هاشمی گلپایگانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱، ج ۱.

بیانی، مهدی (۱۳۴۵ش)، *احوال و آثار خوشنویسان*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه*، تهران: دنیای دانش، ج ۴.

تهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۸ق)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، ترجمه محمدرضا حکیمی، قم: اسماعیلیان، چاپ سوم، ج ۳.

تهرانی، آقابزرگ (۱۳۹۰ق)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، تصحیح احمد منزوی، تهران: کتابخانه امامیه،

حافظ ابرو، عبدالله (۱۳۷۲)، *زبده التواریخ*، تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، تهران: نشر نی و سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱، ج ۲.

حبیبی، عبدالحی (بی تا)، *هنر عهد تیموریان و متفرعات آن*، بی جا: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
خواندمیر، غیاث الدین (۱۳۷۲)، *مآثر الملوک به ضمیمه خلاصه الاخبار و قانون همایونی*، تصحیح میر هاشم محدث، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ج ۱.

خواندمیر، غیاث الدین (۱۳۷۸)، *مکارم الاخلاق*، تصحیح محمد اکبر عشیق، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ج ۱.

دیماند، پرایس اسوند (۱۳۸۱)، *راهنمای صنایع اسلامی*، ترجمه عبدالله فریاد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۴.

زکی، محمد حسن (۱۳۶۶)، *تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام*، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران: اقبال، ج ۱.

سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۱، ج ۲، دفتر اول.

شایسته فر، مهناز (۱۳۸۴) *هنر شیعی، عناصر شیعی در نگارگری و کتیبه نگاری تیموریان و صفویان*، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ج ۱.

صدرایی، علی و حافظیان، ابوالفضل (۱۳۸۳)، *فهرست کتاب های چاپ سنگی کتابخانه آستانه حضرت معصومه*، قم: آستانه مقدسه، ج ۱.

صدرایی، علی (۱۳۸۳)، *فهرست نسخه های خطی گنجینه قرآن*، قم: مرکز ترجمه قرآن به زبان های خارجی، ج ۱.

عسقلانی، احمد بن علی بن حجر (۱۴۱۵ق)، *الاصابة فی تمیز الصحابة*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۱، ج ۱.

عطاردی، عزیزالله (۱۳۷۶)، *سیری در کتابخانه های هند و پاکستان*، تهران: انجمن مخطوطات ایران و انتشارات عطاردی، ج ۱.

قمی، قاضی میراحمد بن شرف الدین منشی (۱۳۶۶)، *گلستان هنر*، به اهتمام سهیلی احمد خوانساری، تهران: کتابخانه منوچهری، ج ۳.

- کمیسیون ملی یونسکو در ایران (۱۳۴۲)، *ایرانشهر*، نشریه شماره ۲۲، دانشگاه تهران، چ ۱.
- منزوی، احمد (۱۳۷۷)، *فهرست نسخه‌های خطی مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، چ ۱، ج ۱.
- موجانی، سیدعلی و علی مردان، امیر یزدان (۱۳۷۹)، *فهرست نسخ خطی فارسی انستیتوی آثار خطی تاجیکستان*، قم: کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی، چ ۱، ج ۳.
- میرخواند، میر محمد (۱۳۸۵) *تاریخ روضه الصفا*، تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر، چ ۲، ج ۴.
- میرداماد، محمدباقر (۱۳۱۱ق)، *الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیة*، قم: دار الخلافة، چ ۱.
- نفیسی، سعید (۱۳۶۳)، *تاریخ نظم و نثر در ایران*، بی‌جا: انتشارات فروغی، چ ۲، ج ۱ و ۲.
- نورالدین‌اف، شمس‌الدین (۱۳۶۵)، *تذکره التواریخ*، ترجمه پوهاند دکتر جلال‌الدین صدیقی، کابل: کمیته دولتی طبع و نشر، چ ۱.
- واصفی، زین‌الدین محمود (۱۳۵۰)، *بدایع الوقایع*، تحقیق الکساندر بلدروف، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چ ۲، ج ۱ و ۲.
- یزدی، شرف‌الدین (۱۳۳۶)، *ظفرنامه*، به اهتمام محمد عباسی، تهران: مؤسسه امیرکبیر، چ ۱، ج ۱.